



حاج طالع باقرزاده: مبارزه را در زندان هم ادامه خواهیم داد

حاج طالع باقرزاده، رهبر جنبش اتحاد مسلمانان جمهوری آذربایجان در جلسه دادگاه جرایم سنگین باکو گفت: « عملیات علیه نارداران که من آن را «عملیات شترمرغی» می نامم، در نهاد ریاست جمهوری آذربایجان تدارک دیده شده بود. با استفاده از شبکه تلویزیونی «خزر تی وی» که متعلق به فتح الله گولن است، ما را تروریست قلمداد کردند.»

به گزارش آران نیوز به نقل از پایگاه اینترنتی «میدان تی وی»، فاریض نمازلی، وکیل مدافع طالع باقرزاده، رهبر «جنبش اتحاد مسلمانان» در جلسه دادگاه که نمایندگان سفارتخانه های فرانسه و آلمان و انگلیس نیز در آن حضور یافته بودند، اعلام کرد طالع باقرزاده در سخنان خود در دادگاه وقایع 26 نوامبر نارداران را توطئه حاکمیت دانست و گفت: « دو نیروی پلیس کشته شده نیز توسط حاکمیت به قتل رسیده اند.»

طالع باقرزاده گفت: « قبل از این واقعه، در اداره پلیس منطقه یاسامال باکو، اسفندیار محبعلی اف، رییس جدید این اداره برخورد خشونت آمیزی با من کرد. من فهمیدم که این ها می خواهند ما را تحریک کنند که به پاخیزیم. اما، من برعکس آن را انجام دادم و به دادستانی در مورد این مساله شکایت کردم. دیدند که هیچ کس از طرف ما به پا نمی خیزد. سه روز بعد، معاونم الچین قاسم اف را از خانه اش ربودند و در بازداشگاه به بدنش برق وصل کردند و شکنجه دادند. علیه افرادی که برای اعلام حمایت از الچین قاسم اف به اداره پلیس صابونچی مراجعه کرده بودند، عامدانه اقدامات تحریک آمیز انجام دادند. در هفتم نوامبر نیز در شبکه های تلویزیونی و بخصوص در «خزر تی وی» که تلویزیون فتح الله گولن در جمهوری آذربایجان است، ما را به داعش و سایر سازمان های تروریستی مرتبط کردند و با رهبران آنها مقایسه کردند. وانمود کردند که ما تروریست هستیم. پس از آن، مدیر یکی از سازمان های غیردولتی نزدیک به علی حسن اف، (مدیر شعبه اجتماعی - سیاسی ریاست جمهوری) و کمال عبدالله، (مشاور رییس جمهوری در امور اقوام و امور دینی و چندفرهنگ گرایبی)، پیش من آمد و گفت که علی حسن اف می گوید این ها همه کارهای الله شکور (الله شکور پاشازاده، رییس اداره مسلمانان قفقاز) است. من به همان شخص گفتم که در جمهوری آذربایجان کنترل تمامی تلویزیون ها در دست علی حسن اف است. همچنین، اسفندیار محبعلی اف، رییس پلیس یاسامال نیز که علیه من خشونت کرد نیز فرزند ستار محبعلی اف است که از بستگان نسبی علی حسن اف می باشد.»

طالع باقرزاده افزود: « عملیات نارداران در «مطبخ ریاست جمهوری» پخته شد. من آن را «عملیات شترمرغی» می نامم که سرشان را در شن فرو کرده اند و از بیرون خبر ندارند.

جامعه و سازمان های بین المللی دیدند که سناریوی تدارک دیده شده در ریاست جمهوری آذربایجان توسط علی حسن اف، تا چه حد ابتدایی بود. این روحانی درباره علت حضورش در نارداران نیز گفت: « در جریان مراسم برگزار شده به مناسبت سالروز شهادت مبارز ابراهیم اف، قهرمان ملی آذربایجان باخبر شدیم که توطئه ای علیه من طراحی شده است. به همین علت، تصمیم گرفتم به این مراسم نروم و مدتی از شهر باکو دور باشم. ما از هر گونه خرابکاری دوری می کردیم. زیرا، مبارزه ما مسالمت آمیز و مدنی بوده است. با هیچ سازمان خارجی ارتباطی نداشته ایم. همین نیز آنها را نگران می کرد. برای حبس ابد ما، سناریو طراحی کرده اند. اما، از یاد نبرند که خودشان نیز برای تمامی عمر در حاکمیت نخواهند ماند. ما مبارزه مان را در زندان نیز ادامه خواهیم داد. آنها برای اجرای نقشه خود، دو نیروی پلیس دیندار را انتخاب کردند و آنها را که انسان های آرامی بودند، کشتند. هرکس آن حوادث را ایجاد کرد، شرف ندارد. اگر ما گناهکاریم، ما شرف نداریم و اگر ما بی گناهیم، کسانی که آن حوادث را ایجاد کردند و این اتهامات را به ما بسته اند، بی شرف و پست هستند. در هیچ یک از سخنرانی های من، حتی یک کلمه فراخوان به براندازی مسلحانه وجود ندارد. در مصاحبه ها و سخنرانی هایم پس از آزادی از زندان، گفته بودم که تشکیل دولت اسلامی در آذربایجان غیرممکن است. تا چه حد باید بی حیا باشند که برعکس سخنان مرا به من نسبت می دهند. آن قدر بیسواد هستند که در گزارش تحقیقات، قرائت دعای فرج امام دوازدهم را به عنوان مدرک تلاش برای کودتا ارایه می کنند. امروز، حتی الله شکور و سایر آخوندهای درباری هم این دعا را می خوانند. آیا آنها هم باید دستگیر شوند؟»

حاج طالع باقرزاده افزود: « به قرآن قسم می خوریم که هیچ یک از این اتهامات مطرح شده، مربوط به ما نیست. اگر ما سلاح داشته ایم، قرآن به کمر ما بزند. اما، اگر برعکس این است، قرآن به کمر طراحان این سناریو و قاتلان انسان های بی گناه و شکنجه گران بزند. بیایند در اینجا به قرآن قسم بخورند که از ما سلاح کشف کرده اند. من به قرآن قسم یاد می کنم که وزارت کشور قاتل برادران بی گناه ما و آن دو نیروی پلیس است.»

طالع باقرزاده درباره وجود کتابچه «پیام حاج طالع باقرزاده» در میان مدارک این پرونده نیز گفت: « در پرونده نوشته اند که گویا نسخه های آن کتابچه از منازل همه ما کشف شده است. این دروغ است. اصلاً چنین کتابچه ای وجود نداشته است. آن را پس از 26 نوامبر (روز حمله پلیس به نارداران) خودشان نوشته اند. شنیده ام که برخی از کسانی که خودشان را مدافع حقوق بشر می نامند، برخی سخنان نامربوط را بیان کرده اند. هیچ کس زیادی حرف نزنند. اگر می خواهند حقیقت را بدانند بیایند در این دادگاه حضور داشته باشند. درست است که باور ندارم که این دادگاه در نهایت، حکم درستی درباره حوادث صادر کند. اما، حداقل در اینجا حقیقت روشن می شود. باور دارم که مبارزه ما نتیجه خواهد داد و یک روز این حاکمیت بخاطر اعمالش در مقابل قانون پاسخ خواهد داد.»

حاج طالع باقرزاده در بخش دیگری از سخنانش گفت: « ما برای کمک به خانواده های فقیر و مرکز کودکان بی سرپرست اعانه جمع آوری می کردیم. تصورش را بکنید! پس از آنکه ما به مرکز نگهداری کودکان بی سرپرست کمک برده بودیم، ماموران وزارت امنیت ملی به آنجا حمله کرده که چرا آنها را به اینجا راه داده اید! »

حاج طالع باقرزاده گفت: « پس از دستگیری، در ماشین پلیس و در اداره مبارزه با جرایم سازمان یافته وزارت کشور، من و سایر دوستان را شکنجه کردند. تمامی بازجویی ها تحت شکنجه انجام شده است. زمانی که مرا در «باندوتدل» (اداره مبارزه با جرایم سازمان یافته وزارت کشور) کتک می زدند، می گفتند پس تو که می گفتی خدا حامی توست، پس چی شد؟ من هم جواب دادم که خدایی وجود دارد که مرا حفظ می کند تا در مقابل فردی مثل تو سرخم نکنم. در روز 26 نوامبر، ما در حال نماز بودیم که از خیابان صدای شلیک اسلحه آمد. افرادی ماسک های سیاه پوشیده بودند، با شکیک گلوله وارد شدند و حمله کردند. آنها با ماشین های باری آمده بودند. وقتی به من دستبند زدند و به داخل ماشین انداختند، از دیدن آن منظره وحشت کردم. اجساد و کسانی را که سروصورتشان خونین بود، می زدند. آن زمان، برادرمان حاج فراهیم زنده بود. او را با ضرب و شتم کشتند. پس از اینکه مرا به ماشین انداختند، با قنداق سلاح به سرو صورتم زدند و بینی ام را شکستند. ما را به باندوتدل بردند و به زمین انداختند و لگد می زدند. سه روز به حالت بی هوش بودم. حتی وقتی بازجویی دادستانی آمد و مرا دید به آنها گفت که « این طور هم نکنید دیگر...». آن قدر با باتوم به زیر پایم زده بودند که نمی توانستم راه بروم.»

طالع باقرزاده تأکید کرد: « هیچ یک از ما سلاح نداشته ایم. درست نیست که با شکنجه اقرار بگیرند و آن را به عنوان مدرک مطرح کنند. پس کجاست فیلم تصویربرداری عملیات؟ با سلاح هایی که به اصطلاح از ما کشف کرده اند، می توان قره باغ را آزاد کرد! اگر ما در آن خانه، در حال تدارک کودتا علیه دولت بودیم، در آنجا زنان و کودکان چه می کردند؟ چه قدر بی وجدانی است که در زمان حمله، سلاح ها را به طرف کودکان نیز گرفته اند. اول گفتند که برای ایران کار می کنید، بعداً ما را به «شورای ملی» مرتبط کردند و در آخر هم گفتند که نام افراد ثروتمند (حامی خودتان) را بگویید.»

عباس حسین، یکی از اعضای جنبش اتحاد مسلمانان جمهوری آذربایجان نیز با تأکید بر بی گناهی خود و سایر دستگیر شدگان و با اشاره به شکنجه شدن شان، گفت: « این یک

سناریو طراحی شده است. در 26 نوامبر هیچ رویارویی مسلحانه از طرف ما ایجاد نشده است. در حال نماز صدای شلیک شنیده شد. بعد، افراد دارای ماسک سیاه وارد شدند و نمازگزاران را با ضرب و شتم به داخل ماشین انداختند. جهانگیر حاجی اف، رئیس سابق بانک بین المللی را به عنوان شاهد شکنجه های من به دادگاه بیاورند. زیرا، در همان زمان، او هم در بازداشتگاه «باندوتدل» بود (بازداشت شده بود) و شکنجه ها و آثار آن بر روی بدنم را دیده است. «

طالع باقرزاده نیز با تایید سخنان عباس حسین، گفت: « فریادهای برادرانم به هنگام شکنجه در باندوتدل مرا عذاب می داد. صدای عباس را هم می شنیدم. به بازجو گفتم که عباس را صدا کنید به او بگویم اقراری را که می خواهند بگیرند، امضاء کند. نمی شود انسان ها را کشت. شب تا صبح صدای فریادهایشان می آمد. «

عباس حسین گفت: « در ماه ژانویه پس از اینکه اقراری را که می خواستند، گرفتند، اجازه دادند که با منزلمان تلفنی صحبت کنم. دست این حاکمیت، به خون این همه انسان آغشته است. چنین حاکمیتی را چگونه حمایت می کنید؟ «

وکیل مدافع عباس حسین گفت: « عباس در اداره کل مبارزه با جرایم سازمان یافته هم شکنجه شده است. مدت ها بود که در رسانه ها خبر مرگ او را منتشر کرده بودند. عباس حسین می گوید پس از اینکه اقرارنامه تشکیل گروه مسلحانه برای براندازی را امضاء کرده است، به او اجازه دادند که با خانواده اش تماس بگیرد و بگوید که زنده است. «